

چکیده:

زمینه و هدف: پس از گذشت بیش از سه دهه از معرفی سواد سلامت به عنوان یک موضوع کلیدی در ادبیات سلامت، تحلیل جامعی از ابعاد سیاستگذاری سواد سلامت در کشور انجام نشده، لذا این مطالعه با هدف تحلیل سیاست‌های ارتقاء سواد سلامت در ایران و ارائه راهکارهای سیاستی مناسب انجام شد.

روش پژوهش: مطالعه حاضر به روش تلفیقی انجام گرفت به این صورت که در مرحله اول با انجام یک مطالعه مروری نظام مند، عوامل تاثیر گذار بر سواد سلامت در ایران مورد بررسی قرار گرفته و کشف شد. در مرحله دوم، مطالعه تطبیقی 6 کشور که تجربیات موفق در انجام سیاست‌های ارتقاء سواد سلامت داشتند انجام گردید. در مرحله سوم مجموعه‌ای از مدل‌ها و الگوهای سیاستگذاری از جمله چارچوب گرین، مدل مثلث سیاست‌گذاری، مدل چرخه سیاستگذاری، چارچوب تحلیل ذینفعان و مدل کینگدان جهت تحلیل سیاست‌های ارتقاء سواد سلامت در ایران به کار گرفته شد. در این مرحله، به منظور دستیابی به اهداف پژوهش تحلیل اسناد و مصاحبه نیمه ساختار یافته با 43 نفر از افراد مطلع کلیدی انجام گردید. در مرحله چهارم براساس یافته‌های مراحل قبل چارچوب استراتژیک ارتقاء سواد سلامت در ایران مبتنی بر راهکارهای ارائه شده تدوین، اعتبارسنجی و تأیید گردید و در نهایت راهکارهای کلیدی پیشنهادی اولویت بندی و ارائه گردید. به منظور ارزیابی کیفیت مطالعه معیارهای اعتماد، انتقال پذیری، اعتبار و قابلیت تاییدپذیری مورد استفاده قرار گرفت. نرم افزارهای MAX QDA: version 12 و EndNote در تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سواد سلامت تحت تاثیر عوامل مختلفی می‌باشد که این عوامل در پنج دسته عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سلامت مورد بررسی قرار گرفت. سواد سلامت در ایران و در دنیا یک مفهوم نوپا در ادبیات حوزه سلامت و یک مسئله اجتماعی اقتصادی بوده و در سال‌های اخیر به عنوان یکی از مهمترین عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت توسط سازمان بهداشت جهانی مورد تاکید قرار گرفته است. سطح سواد سلامت در ایران همچون بسیاری از کشورهای مورد مطالعه پائین بوده و انجام اقدامات یکپارچه به منظور افزایش دانش و آگاهی افراد جامعه در مورد موضوعات سلامت الزامی می‌باشد. با توجه به ماهیت فرابخشی و فراسازمانی سواد سلامت، بسیاری از سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌ها می‌توانند در سیاستگذاری آن ایفای نقش نمایند و این گستردگی نیازمند ساختارهایی قدرتمند به منظور ایجاد هماهنگی و یکپارچگی در سیاستگذاری می‌باشد. سیاست‌ها و اقدامات ارتقاء سواد سلامت در قالب برنامه ملی خودمراقبتی و سند ملی ارتقای فرهنگ سلامت شکل گرفته و اجرا می‌گردد. این سیاست‌ها در حوزه‌های توانمندسازی، تولید منابع و ارائه و انتشار اطلاعات در دستور کار قرار می‌گیرد. در تدوین، اجرا و ارزشیابی سیاست‌ها نیز چالش‌هایی مانند عدم تعامل، نبود ساختار هماهنگ کننده قوی، عدم تخصیص منابع کافی، موازی‌کاری، تمرکزگرایی و رویکرد بالا به پائین در سیاستگذاری وجود دارد. به علاوه، با توجه به جدید بودن موضوع سواد سلامت، شواهد کافی در این خصوص وجود نداشته و نظام تولید و استفاده از شواهد نیز از چالش‌هایی مانند عدم وجود منابع کافی، نبود رویکرد سیاستگذاری مبتنی بر شواهد و عدم توانایی سیاستگذاران در استفاده اثربخش از این شواهد رنج می‌برد. تامین نیروی انسانی کافی و توانمند، تامین منابع مالی و حمایت و توجه مناسب به سواد سلامت، از جمله مهمترین راهکارهای ارتقاء سواد سلامت در ایران هستند.

نتیجه گیری: در سیاستگذاری ارتقاء سواد سلامت در ایران چالش های متعددی وجود دارد که یکی از مهم ترین چالش ها عدم وجود هماهنگی و یکپارچگی و جزیره ای عمل کردن ذینفعان مختلف می باشد. شناخت ابعاد مختلف موضوع سواد سلامت، ذینفعان، الگوهای موفق و عوامل تاثیرگذار بر سیاستگذاری می تواند با مشخص نمودن چالش های موجود، راهکارهای لازم را ارائه دهد. ایجاد ساختار قدرتمند و هماهنگ، پرهیز از تمرکزگرایی و استفاده از تمامی ظرفیت های موجود، سیاستگذاری صحیح در این زمینه را تسهیل خواهد نمود. این مطالعه تلاش کرد با بررسی دقیق ابعاد سیاستگذاری سواد سلامت، شرایط تصمیم گیری و برنامه ریزی لازم جهت ارتقاء سواد سلامت در کشور را فراهم نماید.

واژه های کلیدی: سواد سلامت، تحلیل سیاست، ایران، سیاستگذاری، الگوی تحلیل سیاست گرین